

## پیر شاه – خوارزمشاهیان

## پیر شرفشاہ گیلانی – شرفشاہ دولایی

داشته است و مقبره او هنوز در شهر ملتان پای بر جاست. جماعت شمسیان، که شاخدای از اسماعیلیان نزاری اند و اکنون امامت آفاختان را بقول دارند و از راه زرگری و طلاسازی در ملتان و دیگر نواحی استان پنجاب امروزی پاکستان امور معاش می‌کنند، مدعی اند که پیر شمس اسلاف آنها را به کیش اسماعیلیه نزاری درآورده است. باید بگوییم که در روایات مختلف افسانه‌ای، پیر شمس، با شمس تبریزی، پیر و راهنمای روحانی مولانا جلال الدین رومی و نیز با شمس الدین محمد، نخستین امام نزاری بعد از دوره الموت که در حدود ۷۱۰ وفات یافتد، یکی داشته شده است. مقبره پیر شمس در ملتان در محلی به نام مقبره سید شمس الدین سبزواری شهرت دارد و تاریخ ساختمان آن ۱۱۰۲ ذکر شده است. در شجره نامه‌ای که مؤلف در ۱۳۷۲ ش در آن مقبره یافت، تسبیح صاحب مقبره به اسماعیل، فرزند امام جعفر صادق علیه السلام، رسانده شده است. فعالیتهای پیر شمس را، که در فهرست سنتی پیران سات پانت مرتبه بیست را احرار کرده است، فرزند و نوه‌اش، یعنی نصیر الدین و شهاب (یا صاحب) الدین، ادامه داده‌اند.

پیر شمس و دیگر پیران اولیه اسماعیلیه نزاری در شب قاره هند، می‌خواستند تعالیم اسماعیلی و اسلامی را به زبان و گوشه‌ای به هندووها مقیم سند و دیگر مناطق آنچه ارائه دهند که برایشان به آسانی قابل درک باشد. این شیوه عمل را در محتوای دینی بعضی از گنانها، که عرضه کننده تلقیقی از عناصر هندو و اسلامی هستند، بوضوح می‌توان یافت. از جمله این آثار می‌توان از گنان مهمی موسوم به دسه او تاره<sup>۱</sup>، یا ده مظفیر، نام برد که در یکی از تحریرات آن به پیر شمس نسبت داده شده است؛ گرچه با یافته‌های جدید علمی، انتساب این ادبیات، یعنی گنانها، را به پیر شمس و دیگر پیران آغازین، نمی‌توان مسلم دانست. متأثع: فرهاد دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدراهی، تهران ۱۳۷۵ اش؛

F. Daftary, *The Ismā'īlīs: their history and doctrines*, Cambridge 1990, 415, 478-479, 484-485; V. N. Hooda, "Some specimens of Satpanth literature", in *Collectanea*, ed. W. Ivanow, Bomby 1948, 55-103; W. Ivanow, *Ismaili literature: a bibliographical survey*, Tehran 1963, 176-177; idem, "Shums Tabrez of Multan", in *Professor Muhammad Shafi' presentation volume*, ed. S. M. 'Abdullah, Lahore 1955, 109-118; T. Kassam, *Songs of wisdom and circles of dance: hymns of the Satpanth Ismā'īlī Muslim saint, Pir Shams*, Albany, N. Y. 1995; idem, "Syncretism on the model of figure-ground: a study of Pir Shams' Brahma

پیر شمس (یا شمس الدین)، یکی از اولین داعیان اسماعیلیه نزاری در شب قاره هند. داعیان اسماعیلی را عمدتاً در هندوستان «پیر» خطاب می‌کردند. فعالیت پیرهای اسماعیلی نزاری که از اوایل قرن هفتم از الموت به هندوستان گسلی می‌شدند، ابتدا در منطقه سند متصرف بوده است. بنابر روایات سنتی اسماعیلیان نزاری هند، که عمدتاً در ادبیات دینی منظوم آنها مشهور به «گنان<sup>۲</sup>» ها انعکاس یافته است (سے گنان<sup>۳</sup>)، پیر شمس اولین کسی بود که در هند دعوت نزاری را شروع کرد. باید توجه داشت که از گنانها نمی‌توان به عنوان مسایع قابل اعتماد تاریخی استفاده کرد. بعضی از این مسایع قبل از پیر شمس، از پیر صلاح الدین هم که گاهی به عنوان پدر پیر شمس معروف شده است، نام برده‌اند. در هر حال، گنانها مذکور می‌شوند که پیر شمس و دیگر پیرهای اولیه همگی از الموت برای اشاعه دعوت اسماعیلیه نزاری، که در شب قاره هند با عنوان «سات پانت»<sup>۴</sup> یا صراط حقیقی (برای رستگاری) شهرت یافت، گسلی شده بوده‌اند.

به طور کلی، پیر شمس شخصیت ناشناخته‌ای است که درباره او هم‌گونه افسانه پرداخته شده است، و تواریخی هم که برای زمان فعالیت او ذکر شده‌اند بسیار متفاوت‌اند. در بعضی از گنانها، که به پیر شمس منسوب اند، از قاسم شاه، یعنی بیست و نهمین امام نزاری که در نیمة اول قرن هشتم هجری می‌زیست، به عنوان امام معاصر وی، یاد شده است، و به این ترتیب فعالیتهای خود پیر شمس نیز به همان زمان برمی‌گردد. ولی طبق گنانهای دیگر، روزگار فعالیت پیر شمس دو قرن زودتر، یعنی در قرن ششم، بوده است.

همانطور که ذکر شد، درباره مرحله آغازین دعوت اسماعیلیه نزاری در هند با اسماعیلیه سات پانت، گاهی دقیقی در دست نیست، اما مسلم است که این دعوت و فعالیت نخستین پیرها عمدتاً پس از سقوط الموت در ۶۵۴ و به دنبال فعالیتهای داعیان متقدمتری که در اواخر دوره الموت به هند گسلی شده بودند، نخست در میان هندوها سند جایگاه محکمی پیدا کرد و سپس به گجرات و دیگر مناطق شبه قاره گسترش یافت.

پیر شمس، بخصوص در ملتان / مولتان و اوج<sup>۵</sup>، شهرهای سند قرون وسطاً (که اکنون جزو استان پنجاب اند)، فعالیت

بود که در حدود ۷۵۲ سلسله خود را جانشین سمه‌ها کرده بودند که مذهب اسماعیلی داشتند. اما سماها بزودی پیر صدرالدین را مذهب اهل سنت شدند. طبق روایات منتقل در گنانها، پیر صدرالدین برای تحويل وجهات مذهبی، یعنی داسوند<sup>۷</sup> یا عشیره، به امام نزاری، سفری به ایران کرده و در آنجا به دیدار امام اسلام‌شاه نایل شده بوده است.

مزار پیر صدرالدین در نزدیکی جستپور<sup>۸</sup> در حومه اوج، در جنوب ملتان / مولتان قرار دارد. متولیان این مزار اکنون خود را پیر مذهب شیعه اثناعشری می‌دانند و از پیر صدرالدین به عنوان حاج صدرشاه یاد می‌کنند. پس از صدرالدین فرزند ارشدش، حسن کبیرالدین، جانشین پدر شد و امور دعوت سات پانت و خوجه‌های نزاری را به دست گرفت.

در روایات سنتی خواجه‌های نزاری، پیر صدرالدین مؤلف بیشترین تعداد از گنان‌ها معرفی شده است، از جمله یکی از سه تحریر موجود از گنان مهم دسه اوغار<sup>۹</sup> (ده اوغار یا ده مظہر) که اصول عقاید اسماعیلیه نزاری را در چهارچوب هندویی مطرح می‌سازد. خواجه‌ها، گنان دیگری به پیر صدرالدین منسوب کردند که تحقیقات جدید سخت این انتساب را رد کرده است. این گنان که به بوج نیرانجان<sup>۱۰</sup> (معرفت توحید) مشهور است منظومه‌ای به زبان هندوستانی درباره طریقت صوفیه است. این منظومه در اصل در محافل قادریه در سنده دیدار گشته و سپس وارد مکتبات گنانی خواجه‌ها شده است. علی‌رغم اینکه هیچگونه اصول عقاید سات پانت در آن یافت نمی‌شود، آن را به پیر صدرالدین منسوب کردند. در هر صورت این گنان سند دیگری است که از وجود مناسبات نزدیک بین خواجه‌ها و صوفیان شبے‌قاره هند حکایت دارد.

منابع: پیرزاده درگاه والا، تواریخ پیر، نوسنگی ۱۹۱۴-۱۹۲۵، ج ۲ (گجراتی)، علی محمدج. چونار، نورمین، بیشی ۱۹۳۶ (اردرو)؛ همان، بیشی ۱۹۳۶ (گجراتی)، فرهاد دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران ۱۳۷۵ ش؛

Ali S. Asani, *The Būjh Niranjan: an Ismaili mystical poem*, Cambridge, Mass., 1991; Farhad Daftary, *A short history of the Ismailis: traditions of a Muslim community*, Edinburgh 1998; Vali Mahomed N. Hooda, "Some specimens of Satpanth literature", in *Collectanea*, ed. V. Ivanov, Leiden 1948, 104-109, 112-121; Vladimir Ivanov, *Ismaili literature: a bibliographical survey*, Tehran 1963, 177-178; Azim Nanji, *The Nizārī Ismā'īlī tradition in the Indo-Pakistan subcontinent*, Delmar, N. Y., 1978; Ismail

Prakīṣa", in *Hermeneutical paths to the sacred worlds of India*, ed. K. K. Young, Atlanta 1994, 231-241; A. Nanji, *The Nizārī Ismā'īlī tradition in the Indo-Pakistan subcontinent*, Delmar, N. Y. 1978, 50-69, 110-130; Ismail K. Poonawala, *Bibliography of Ismā'īlī literature*, Malibu, Calif. 1977, 299-300.

#### / فرهاد دفتری /

پیر صدرالدین، یکی از نخستین داعیان اسماعیلیه نزاری در شبے‌قاره هندوستان. پیر صدرالدین در اشاعه دعوت اسماعیلیه نزاری در هند و همچنین تشکیلات و سازمان آن دعوت نقش بسزایی داشت. این دعوت در هند به نام «سات پانت»<sup>۱۱</sup> یا راه حقیقی شهرت یافت. وی که از اخلاف پیر شمس الدین<sup>۱۲</sup> بود پس از پدرش، پیر شهاب الدین، به ریاست دعوت سات پانت در هند رسید. اطلاعات موجود درباره پیر صدرالدین عمدهاً مبتنی است بر ادبیات دینی اسماعیلیان نزاری هندوستان، که گنان<sup>۱۳</sup> نامیده می‌شود. تأثیف بسیاری از این گنانها را بد پیر صدرالدین نسبت داده‌اند. طبق این روایات، پیر صدرالدین در زمانی میان نیمه دوم قرن هشتم و دهه‌های آغازین قرن نهم می‌زیسته است. بدین ترتیب پیر صدرالدین با اسلام‌شاه، که در فهرست امامان اسماعیلیان نزاری (شاخه قاسم شاهی) مرتبه سی ام را دارد، معاصر بوده است.

پیر صدرالدین بسیاری از هندوها طبقه یا کاست لوهانا را به کیش اسماعیلیه نزاری درآورد و به آنها نام خواجه<sup>۱۴</sup> داد که از کلمه فارسی خواجه، به معنای ارباب، مشتق شده، و با واژه هندوی تاکور که به هندوها لوهانا اطلاق می‌شده، هم معنی است. پیر صدرالدین همچنین اولین جماعت خانه، محل عبادت نزاریه، را در کوتوری<sup>۱۵</sup> در سند (در ایالت پنجاب کشونی در پاکستان) بنیان نهاد. وی سپس دو جماعت خانه دیگر در پنجاب و کشمیر ساخت و برای آنها نیکی (برگرفته از واژه سانسکریت مکیا<sup>۱۶</sup> به معنای رئیس یا مهمترین) برگمارد. بدین ترتیب پیر صدرالدین اساس تشکیلات جماعتی اسماعیلیان نزاری هند را، که از آن پس به خواجه‌ها شهرت یافتد، پی‌ریزی کرد.

با گذشت زمان، وی دعوت سات پانت را به گجرات نیز اشاعه داد و موقعیتهای قابل توجهی در میان لوهاناهای و دیگر هندوها متعلق به کاستهای تجارت پیش آن منطقه به دست آورد. ولی مرکز فعالیتهای پیر صدرالدین همچنان در اوج<sup>۱۷</sup> در سند، باقی ماند. منطقه سند در آن زمان تابع حکومت سما<sup>۱۸</sup>ها

1. Satpanth

2. Kotri

3. mukhya

4. Uech

5. Samma

6. Sūmra

7. dasondh

8. Jetpur

9. Dasa Avatāra

10. Būjh Niranjan